



وضعیت اضطراری در بخش‌هایی از روسیه

حمله هوایی اوکراین موجب اعلام وضعیت اضطراری در بخش‌هایی از منطقه «ورونژ» روسیه شد. به گزارش رویترز، الکساندر گوسف، فرماندار مناطق غربی مرز روسیه و اوکراین، پس از حمله هوایی اوکراین که منجر به آتش‌سوزی در یک انبار شده، در بخش‌هایی از منطقه ورونژ روسیه اعلام وضعیت اضطراری شده است. گوسف در پیام‌رسان تلگرام تأکید بر اینکه این حمله هیچ تلفات جانی در بی‌ناشته، نوشت: «بعضی از ساختمان‌های مسکونی در این منطقه تخلیه شدند.» به گفته این فرماندار، انفجارها هنوز ادامه دارند. ویچسلاو کلاکوف فرماندار «بلگورود» نیز در کانال تلگرامی خود از حمله ۴۰ پهپاد اوکراینی به این منطقه خبر داد و تأکید کرد این حملات هیچ تلفات جانی نداشته و بسیاری از این پهپادها توسط سیستم‌های پدافندی روسیه سرنگون و منهدم شده‌اند و فقط به چندین ساختمان و اتومبیل در بی‌این حملات خسارت وارد شده است.



نل آویو به دنبال تمدید خدمت اجباری

تولویون رژیم صهیونیستی با تأیید بحران نیروی نظامی در ارتش اشغالگر، از نشست روز گذشته کابینه رژیم صهیونیستی برای بررسی لایحه تمدید زمان خدمت اجباری تا سه سال خبر داد. در حالی جنگ غزه وارد نهمین ماه شده که ارتش رژیم صهیونیستی با چالش بزرگ کمبود نیروی نظامی به دلیل این جنگ فرسایشی دست‌وپنجه نرم می‌کند. به همین دلیل کابینه رژیم صهیونیستی به دنبال تمدید زمان سربازی در ارتش است. تولویون رژیم صهیونیستی شب گذشته گزارش داد که کابینه این رژیم، قرار است نشستی را با حضور فرماندهان ستاد ارتش اشغالگر برای بررسی این بحران برگزار کند تا لایحه تمدید مدت خدمت نظامی اجباری در ارتش را تا ۳ سال تصویب کنند. فرماندهان ارتش پیشتر به دلیل کمبود نیرو، پیشنهاد افزایش طول زمان خدمت اجباری در نیروهای ذخیره را ارائه کرده بودند. قرار است یوآو گالاتت وزیر جنگ نیز از ایجاد برخی تغییرات در قانون مربوط به نیروهای ذخیره گزارش دهد. گالاتت در ماه ژوئن گذشته از بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی خواسته بود که یک نشست فوری برای بررسی امکان تمدید دوران سربازی از ۲۲ تا ماه به ۳۶ برگزار کند، با این توجیه که «واقعیت امنیتی جدید مستلزم ایجاد سازوکارهای مناسب برای ادامه جنگ است.»



باید توانایی غلبه بر ترامپ را ندارد

یک مقام ارشد کاخ سفید بدون ذکر نام خود گفت که بایدن ابزارهای لازم برای پیروزی در انتخابات و غلبه بر ترامپ را ندارد. این مقام ارشد کاخ سفید در گفت‌وگو با نیویورک تایمز، گفت که بایدن روزبه‌روز نشانه‌های بیشتری از پیری را بروز می‌دهد. در حالی که صدای دموکرات‌ها به تدریج بی‌ایر کناره‌گیری جو بایدن رئیس‌جمهور ۸۰ ساله آمریکا از کارزار رقابت‌ها بلندتر می‌شود، این مقام ارشد کاخ سفید نیز به جمع مخالفان بایدن پیوست و گفت: «رئیس‌جمهور بایدن نباید برای پیروزی دوباره اش تلاش کند، او ابزار لازم برای ورود به رقابت‌های قوی انتخاباتی و شکست ترامپ را ندارد.» او افزود: «بایدن به طور پیوسته علامت پیری بیشتری را در ماه‌های اخیر نشان داده است.» نیویورک تایمز همچنین نوشت که مصاحبه با ده‌ها مقام، قانون‌گذار و تحلیل‌گر حزب دموکرات نشان می‌دهد که درگیری و تنش میان آن‌ها و بایدن که حاضر به کناره‌گیری از رقابت‌ها نیست، نزدیک است؛ هر چند هنوز تعدادی از مقامات عالی‌رتبه حزب دموکرات حامی جو بایدن هستند.

کشور را مهار کنند. لهستان بیشتر از بقیه کشورها می‌تواند پروژه سلاح‌های هسته‌ای خود را دنبال کند.

فرض کنید اروپا به‌طور جدی مسلح شود. بدون پوشش امنیتی آمریکا، اقدام کشورهای اروپایی که قابلیت‌های مورد نیاز خود برای مقابله با تهدیدها را توسعه می‌دهند می‌توانند نگرانی‌هایی را ناشی از عدم موازنه نظامی در داخل دوباره بیدار کنند. به عبارت دیگر در اروپایی که تحت محافظت قدرت آمریکا قرار دارد، تانک‌های آلمانی کمکی به امنیت مشترک محسوب می‌شوند. در اروپای پس از آمریکا این موضوع تهدید آمیزتر خواهد بود.

سناریوی دوم این است که اروپای پس‌آمریکا ضعیف و چنددسته شده باشد؛ قاره‌ای که کشورهایش اختلاف‌نظر شدید دارند اما از یکدیگر هم حمایت نمی‌کنند. در این نسخه از اروپا احتمال بازگشت آنارشی کم است اما رخنه‌ها را در میان کشورهای ایجاد می‌کند. اتحاد اروپا نمی‌تواند قدرت نظامی کافی را برای آزادسازی اوکراین و حفاظت از کشورهای شرقی همسایه روسیه فراهم کند. این اروپا برای سازگاری با تهدیدهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی چین چالش خواهد داشت. در حقیقت این اروپا خود را میان روسیه مهاجم، چین سودجو و اگر ترامپ بیاید، آمریکای دشمن می‌یابد. اروپا دیگر نمی‌تواند کانون رقابت ژئوپلیتیکی باقی بماند، اما می‌تواند نفوذ و امنیت خود را در جهان بی‌نظم از دست بدهد.

این دقیقاً همان سناریویی است که مکرون و دیگر رهبران اروپایی را نگران می‌کند. بسیاری از ابتکارهای دفاعی اروپایی برای اجتناب از وقوع این سناریو هم‌اکنون در حال اجرا یا مدنظرند. در کوتاه‌مدت، اروپای ضعیف و غیر متحد نزدیک به یقین است.

دلیل آن این است که خروج آمریکا یعنی خروج قلب ناتو. این ائتلاف قوی‌ترین و باتجربه‌ترین عضو خود را از دست می‌دهد؛ کشوری که بزرگترین سهم قابلیت‌های پیشرفته را دارد؛ فرماندهی سازمان را پیش می‌برد و سازوکار آن را کنترل می‌کند. آمریکا تنها کشور ناتوست که دسترسی استراتژیک و مهارت لجستیکی برای دخالت قاطعانه در جبهه شرق اروپا و فراتر از آن را دارد. با خروج ناتو از این ائتلاف آنچه از بلوک باقی می‌ماند ملغمه‌ای از نیروهای نظامی اروپایی است که عمدتاً برای مبارزه در هماهنگی با نیروهای آمریکایی طراحی شده‌اند و توانایی برای عملکرد کارآمد بدون یکدیگر را ندارند. پایگاه صنعتی-دفاعی آنها ضعیف و غیرمتمرکز خواهد بود که حتی نمی‌تواند از ظرفیت نظامی سریع و هماهنگ دفاع کند. هر کدام از کشورهای عضو ناتو ترکیبی از بیش از ۱۷۰ سیستم تسلیحاتی بزرگ را در اختیار دارند.

پس از خروج آمریکا از ناتو، نیروهای نظامی تضعیف‌شده اروپا با روسیه‌ای مواجه می‌شوند که نسبت به هر زمان دیگری در دهه‌های گذشته سطح بالاتری از بسیج نیروهای خود رسیده و اروپا برای جبران فوری ضعف‌های خود گزینه‌های کمی در اختیار دارد.

تعامل با روسیه بدون دخالت قدرت آمریکا مستلزم افزایش بودجه‌های عظیم نظامی اروپا است، حتی اگر روسیه موفق شود اوکراین را تحت سلطه خود درآورد و جمعیت و اقتصاد آن را با سیستم نظامی کرملین ادغام کند. کشورهایی که امتیازهای گراف دولت آمریکا برای جبران کسری بودجه خود را به‌طور نامحدود دریافت نمی‌کنند، باید مالیات‌های سنگینی را اعمال کنند یا برنامه‌های رفاه اجتماعی را کاهش دهند که احتمالاً با نارضایتی مردم روبه‌رو خواهند شد. برخی از کشورهای مثل لهستان و کشورهای بالتیک ممکن است این بها را برای حفظ استقلال خود بپردازند. برخی دیگر ممکن است تصمیم بگیرند که آمادگی نظامی ارزش پاره کردن قرارداد با جامعه را ندارد و سازگاری با روسیه مهاجم را راه عاقلانه‌تری بدانند.

یا شاید کشورهای اروپایی فقط در مورد تهدیدهایی که باید مقابله کنند، اختلاف‌نظر داشته باشند. حتی در طول جنگ سرد، اتحاد جماهیر شوروی آلمان غربی را بیشتر از هر کشور دیگری برای مثال پرتغال تهدید می‌کرد. با رشد اتحادیه اروپا، مشکل درک تهدیدهای متفاوت حادث شده است. کشورهای شرق و شمالی از ولادیمیر پوتین وحشت دارند و ممکن است برای دفاع از یکدیگر نیروهای نظامی خود را تلفیق کنند. اما کشورهای دورتر از غرب و جنوب ممکن است نگران تروریسم، مهاجرت دسته‌جمعی و سایر تهدیدات غیرسنجی باشند. واشنگتن مدت‌هاست که در چنین مناقشاتی در داخل ناتو نقش واسطه‌گر بازی می‌کند.

این یک نتیجه ناخوشایند برای اروپاست اما همچنان ناخوشایندترین نیست. در سناریو سوم، آینده اروپا می‌تواند بسیار شبیه گذشته آن باشد. در این اروپا ضعیف، یک شرایط موقتی است و شکست در غلبه بر مشکلات اقدامات جمعی مانند امنیت اتحادیه اروپا تنها شروع ماجراست.

امروز در بالکان شعله‌های ناسیونالیسم خشونت‌آمیز هنوز سوسومی‌کند. نارضایتی‌های تجدیدنظرطلبان و غرایز استبدادی، به رهبران ترکیه و مجارستان جان می‌بخشد. پیامدهای بحران بدهی اروپا در سال ۲۰۰۹ و سال‌ها ریاضت اقتصادی پس از آن نشان داد که نارضایتی از نفوذ آلمان - در این مورد نفوذ اقتصادی آلمان - هیچ‌وقت عمیقاً دفن نشده است. حتی امروز که پوتین برای کشورهای اروپایی هرگونه دلبلی است که با یکدیگر همکاری کنند، تنش بین اوکراین و لهستان با بین فرانسه و آلمان گهگاهی شعله‌ور می‌شود. اشتباه نکنید، فکر نکنید اروپای صلح‌آمیز امروز هیچ‌وقت عیب‌گرد ندارد. اروپا به‌ر حال، قبل از سال ۱۹۴۵، مثلاً در دهه‌های پس از شکست ناپلئون، چشمه‌هایی از صلح نسبی را تجربه کرد. زمانی که توازن قوا تغییر کرد، این صلح هم از بین رفت. فکر نکنید تراژدی نمی‌تواند سراغ قاره‌ای بیاید که به‌نظر روشنفکر است: پیش از تعامل با آمریکا، تاریخ اروپا، تاریخ پیشرفته‌ترین قاره از نظر اقتصادی و مدرن‌ترین قاره جهان بود که مکرراً خود را تکه‌تکه کرد. در واقع اگر درسی از گذشته اروپا یاد گرفته باشیم این است که سقوط می‌تواند تدریجاً و زودتر از آن چیزی باشد که در حال حاضر تصور می‌کنید.



اروپا قطعاً منابعی برای ایستادن روی پای خود دارد. دیگر آن قاره شکننده و تنگ‌دست اوایل دهه ۱۹۴۰ نیست بلکه به یک جامعه قدرتمند بالقوه‌ای تبدیل شده که در آن دموکراسی و همکاری روال کار است. تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا ۱۰ برابر روسیه است



ای خود بایستد ایم اروپا بود چه قاره‌ای به جامی ماند؟

کله‌هایشان را به‌هم بکوبد. مشکلات سناریوی خوشبینانه را به‌راحتی می‌توان تشخیص داد، زمانی که مکرون یکبار چگی اروپا را جانسین رهبری آمریکا خطاب می‌کند، به‌نظر فراموش کرده است که اروپا به‌دلیل فضای اطمینان‌ناخاطر که واشنگتن فراهم کرده، متحد و یکپارچه شده است. در موارد پیشین که در آن آمریکا یک گام عقب‌نشینی کرد تا به قدرت‌های اروپایی اجازه دهد یک گام به‌جلو بردارند، مثلاً در آغاز جنگ‌های بالکان در اوایل دهه ۱۹۹۰، نتیجه اغلب به‌جای انسجام استراتژیک، هرج و مرج بود. اتحادیه اروپا برای رسیدگی به مسئله حمله روسیه تا فوریه ۲۰۲۲ به‌شدت دچار چنددستگی شده بود تا اینکه واشنگتن پیش‌دستی اولیه‌برای تجهیز اوکراین را انجام دهد. درسی که باید یاد گرفت این است که به‌سختی می‌توان اقدامات جمعی را در میان چندین کشور با منافع و فرهنگ‌های استراتژیک متفاوت هماهنگ کرد؛ مگر اینکه کسی به‌آرامی سرهایشان را به‌هم بکوبد و رهبری هژمونیک را فراهم کند. اروپایی مستقل و از نظر ژئوپلیتیک قدرتمند، ایده خوبی به‌نظر می‌رسد اما نمی‌تواند توافق کند که چه کسی آن را رهبری کند. فرانسه همیشه به‌سرعت داوطلب می‌شود، هر چقدر که کشورهای شرق اروپا خوش‌شان نیاید چون آنها واقعاً اعتقاد ندارند پاریس تمایل یا توانایی تأمین امنیت‌شان را مثل کشور خود داشته باشد. برلین استطاعت اقتصادی برای رهبری قاره را دارد اما طبقه سیاسی آن مدت‌هاست نگرانند که این کار می‌تواند به‌سادگی ترس‌ها از قدرت گرفتن دوباره آلمان را برگرداند. آنها قطعاً راست می‌گویند: اتحاد آلمان پس از جنگ سرد برای همسایگانش قابل تحمل بود فقط به‌این دلیل که به آن‌ها تضمین داده شده بود برتری اروپایی را دنبال نمی‌کند. بنابراین به این نتیجه‌گیری می‌رسیم که اروپایی‌هایی تمایل داشتند رهبری آمریکا را تحمل کنند دقیقاً به این خاطر که آمریکا کشوری اروپایی بود و می‌توانست قدرت را بدون تجدید تنش‌هایی که زمانی اروپا را تکه‌پاره کرد، اعمال کند.

بنابراین به مشکل نهایی می‌رسیم. اروپایی که می‌تواند مسائل امنیتی خود را کنترل کند، نسبت به امروز به‌شدت مسلح‌تر خواهد شد. بودجه صنایع دفاعی در بسیاری از کشورهای دو تا سه‌برابر خواهد شد. کشورهای اروپایی در مبارک‌ترین تسلیحات جهان، مثل موشک، جنگنده و قابلیت‌های پیشرفته اعمال قدرت سرمایه‌گذاری‌های عظیمی انجام خواهند داد. با حذف چتر هسته‌ای آمریکا، کشورهای هم‌مرز با روسیه امیدوارند بتوانند این

برعهده گرفته، کنار می‌گذارند. واضح‌تر بگوییم، هیچ‌کس دقیقاً نمی‌داند ترامپ چه کارهایی انجام می‌دهد. خروج کامل از ناتو که بقیه جمهوری خواهان حامی روابط بین‌المللی را خشمگین می‌کند، ممکن است ارزش هزینه‌های سیاسی را نداشته باشد. اما با وجود آنکه ترامپ برای ریاست‌جمهوری فعالیت می‌کند و حامیاننش در میان جمهوری خواهان قدرت به‌دست می‌آورند و تهدید چین برای منافع آمریکا در آسیا شدیدتر می‌شود، زمان آن رسیده این احتمال را جدی‌تر بگیریم که آمریکا ممکن است یک روز از اروپا خارج شود پس باید تبعات احتمالی آن را در نظر بگیرد.

در یک سناریوی خوشبینانه، اروپا می‌تواند دموکراتیک، منسجم و متحد در برابر دشمنانش باقی بماند. خروج آمریکا از ناتو می‌تواند اروپا را مجبور کند تا اوکراین را در جنگ کنونی تقویت کند، به‌کی‌یف ضمانت‌های امنیتی معناداری پس از برقراری صلح بدهد و خود را به بازیگر نظامی در سطح جهانی تبدیل کند تا بتواند روسیه و دیگر تهدیدهایی که مهارشان بیشتر برعهده آمریکا بود، دفع کند. بنابراین اروپا می‌تواند به‌عنوان قطبی مستقل و قوی در نظم جهانی لیبرال ظهور کند. واشنگتن می‌تواند روی دیگر اولویت‌هایش متمرکز شود و یک تقسیم‌کار کارآمدتر در جهان دموکراتیک ایجاد کند.

اروپا قطعاً منابعی برای ایستادن روی پای خود دارد. دیگر آن قاره شکننده و تنگ‌دست اوایل دهه ۱۹۴۰ نیست بلکه به یک جامعه قدرتمند بالقوه‌ای تبدیل شده که در آن دموکراسی و همکاری روال کار است. تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا ۱۰ برابر روسیه است. از سال ۲۰۲۲، کشورهای اتحادیه اروپا به‌طور جمعی خیلی بیشتر از آمریکا ادوات نظامی و دیگر کمک‌ها را به اوکراین فرستاده‌اند و در صنایع دفاعی که پس از جنگ سرد از رونق افتاده بودند دوباره سرمایه‌گذاری کرده‌اند. علاوه بر آن، رهبران اروپایی هم‌اکنون برای آینده پس از آمریکا آماده شده‌اند چه با تبدیل کشورهای خود به قدرت‌های نظامی جدی، مثل لهستان، چه با طرفداری جدید از خودمختاری استراتژیک اروپایی که اولویت همیشگی پاریس بوده است. اما نولت مکرون، رهبری که به‌نظر نسبت به چشم‌اندازهای پس‌آمریکایی اروپا خوشبین‌ترین است در ماه آوریل گفت، زمان آن رسیده که قاره‌ای «متحدر، با قدرت بیشتر و دموکراتیک‌تر» بسازیم. هماهنگی اقدامات جمعی در میان ده‌ها کشور یا منافع و فرهنگ‌های متفاوت بسیار سخت است مگر اینکه کسی به‌آرامی